

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## در اجتماع چه میگذرد؟

### ما هم جهان با جهل می‌کنیم تذکرات لازم بسلسله جنیانان جهاد با جهل

مادر هر موضوعی بتوانیم برجال و زمامداران کشورمان ایراد بگیریم مسلمانان موضوع انتخاب عنوان جالب و دلنشین برای فعالیتهای خود نمیتوانیم کوچکترین ایرادی بآنها بگیریم؛ چه اینکه آنها در این قسمت مهارت و ابتکار خاصی دارند که شاید خارجیا هم نتوانند با آنها در این قسمت رقابت کنند، حالا تا چه اندازه میتوانند باین موضوعات حیاتی و جالب لباس عمل ببوشانند، مطلب دیگری است که از موضوع بحث ما خارج است؛ انتخاب این عنوان حکایت از این میکند که آنها دردها را خوب تشخیص میدهند و درست دستدوی همان نقطه اصلی درد میگذارند حالا نمیخواهند یا نمیتوانند در دریا ریشه کن کنند موضوع جداگانه است.

گاهی صحبت از مبارزه با فساد بپیمان می‌آورند و درود یوار و روزنامه ها و رادیوهارا همه از آن پر میکنند و فساد را علة الملل بدبختیهای کنونی معرفی میکنند. راستی چه حرفی از این صحیحتر که سرچشمه گرفتاریها و نابسامانیهای کنونی ما، فساد؛ رشوه خواری، دزدی، سوء استفاده از مقام، تقلب و کلاهبرداری است که آنها بنوبه خود ناشی از تزلزل اصول ایمان و اخلاق است. گمان نمیکنیم کسی در این حقیقت تردید داشته باشد، اگر تردیدی هست در نظر ذکار و برنامه‌هایی است که برای رسیدن باین هدف تنظیم میشود و از آن بالاتر تردید در موفقیت‌هایی است که در نیل باین مقصد ادعا میکنند؛ مثل اینکه یکی

از مقامات حساس اخیر آدها کرد که پنجاه درصد رشوه خواری در کشور ما تقلیل یافته است ؛  
آیا بقیده شاهینطور است ؟ !



«جهاد با جهل» که این روزها نقل معافل است عنوانی است که از «مبارزه با فساد» هم اصولی تر و اساسی تر است ، زیرا اگر تمام مردم يك مملکت افرادی با سواد و عالم و دانشمند - و در ضمن تربیت یافته - باشند غالب خرابیها خود بخود اصلاح میشود و مردم بطور خودکار از فساد میگریزند ، و میدانند که نادرستی و ناپاکی روی هر حسابی باشد - چه حساب مادی چه حساب معنوی - مقرون ب صرفه نیست و جز بدبختی و ناکامی و ورشکستگی و از هم پاشیدگی اثری ندارد .

این افتخار بزرگ در تاریخ بشریت همیشه برای مائت است که پیشوای عظیم الشان اسلام (ص) اساس دستورات خود را بر تعلیم و تربیت و مبارزه با جهل و نادانی که سرچشمه همه انحرافات است قرار داده است .

قرآن مجید صریحاً هدف بعثت پیغمبر اکرم (ص) را تعلیم و تربیت معرفی میکند و میگوید : «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلو علیهم آیات و یرزقهم و یعلمهم الكتاب والحکمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبین» : خداوند از میان مردم بیسواد پیغمبری برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه گرداند و «کتاب» و «دانش» بآنها بیاوخت ، در حالی که پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند .

قرآن مجید نعمت علم و دانش را حتی مقدم بر نعمت وجود و هستی ذکر کرده (الرحمن علم القرآن خلق الانمان) و به «قلم» بعنوان یکی از مقدسات قسم یاد کرده است .

بزرگ پیشوای جهان اسلام و تشیع علی علیه السلام تنها با علم و دانش افتخار میکند و میگوید : ان هیئنا لعلماً جماً ! : در این سینه من دانش فراوانی است ؛ . خلاصه صدها آیه و هزاران حدیث درباره اهمیت علم و دانش و موقعیت دانشمندان و عالم و حقایق برجسته علمی وارد شده است که اهمیت علم و دانش را از نظر اسلام بخوبی روشن میسازد . . . اینها حقایقی است مسلم و غیر قابل انکار بلکه هر کس کمترین بهره ای از عقل داشته باشد - اگر چه پاینده بآئین بودینی نباشد - در اهمیت این موضوع تردید ندارد .

همیناست که ما را وادار میکند که این تصمیم اخیر را که « باید جهاد با جهل

نمود « بستائیم و اذ آن بطور قاطع و صریح پشتیبانی کنیم ، و بغضطراهمیت موضوع از تمام تفسیر هائیکه در گوشه و کنار درباره این اقدامات اخیر گفته میشود چشم پوشی نماییم !

\* \* \*

اماموافت با اصل موضوع دلیل بر این نیست که خبط و خطاهائی که در این زمینه میشود نادیده بگیریم و از تذکرات لازم خود داری کنیم لذا لازم است چند موضوع را برای اطلاع عموم و مخصوصاً سلسله جنبانان این جهاد مقدس یاد آور شویم :

۱ - اینهمه تشریفات و مقدماتیکه برای شروع باین مبارزه ترتیب داده اند و بودجه های قابل توجهی که صرف آن میکنند غالباً بیهوده است . آخر مگر اهمیت علم و سواد موضوع مخفی و مبهمی است که لازم باشد « دسته های موزیک » در خیابانها بگردش در آورند و بزور یک مشت تبلیغات مضحك اینمطلب را توی گوش مردم کنند ؟

آیا بهتر این نیست که این پولها ، این وقتهای گرانبها ، و این نیروهائی که صرف این تشریفات بی خاصیت میشود صرف تهیه کتاب ، مدرسه و سایر وسائل تعلیم و تربیت بشود ، و مردم را از طریق تهیه و وسائل مورد نیاز برای این کار و همچنین احترام نسبت بمقام عالم و دانشمند ، بعلم و سواد تشویق نمایند ؟ !

وقتی مدالهای افتخار و اسم و شهرت بی حساب و پول و ثروت بیدریغ در اختیار یک مشت رقاصه و خواننده بنام « هنرمند » و « هنرپیشه » باشد ، و دانشمندان این کشور در زوایای اجتماع بگمنامی و محرومیت بگذرانند ، موزیک و نقاره و شمار دادن و پخش اوراق هرگز نمیتواند مردم را بعلم و سواد علاقمند کند .

از همه جالبتر اینکه بطوریکه در جراند نوشته بودند دولت دستور داده که تقالها و معر که گیرها در محافل خود ؛ مردم را بسواد ( یا بقول خودشان سوات ؛ ) تشویق کنند ، یعنی ذاتی که هرگز سهمی از هستی نداشته ، هستی بخش بدیگران شود ، این گونه تظاهرات و تشریفات و رنجها و خرجهائی که بغضطرا آن متحمل میشوند بعقیده ما بسیار اشتباه است .

نکته قابل توجه اینجاست که این آقایان بارها برای موضوعات گوناگون دست باین گونه تبلیغات زده اند و عملاً نتیجه معکوس گرفته اند ولی باز دست بردار نیستند و نظیر آنرا تکرار میکنند . مگر یک موضوع را چند بار باید تکرار کرد ؟

سلسله جنبانان این مبارزه باید بدانند اگر بنا بر اینها هیاهو و سروصدا و تبلیغات دامنه دار، عمل مردم نشان ندهند و وسائل و ابزار کافی و برنامهروشن و از هر جهت مطالعه شده، و خلاصه کلیه تسهیلات لازم را در اختیار مردم نگذارند، بدینی با علا درجه میرسد و نتیجه این میشود که در آینده هیچ کاری را نتوانند انجام دهند و از پشتیبانی مردم بکلی محروم شوند.



۲ - این آقایان نباید خیال کنند که رسالت آنها در این موضوع حیاتی تنها باین تمام میشود که خواندن و نوشتن یا مردم بدهند، بلکه قسمت مهمتر بعد از این مرحله است و آن فراهم ساختن خوراک فکری و عقلی بوسیله مطبوعات مفید و سودمند که بتوانند از آن استفاده کنند، در حقیقت خواندن و نوشتن حکم دهنده در آوردن کودک را دارد که او را آماده برای استفاده از هر نوع غذا میکند، بدیهی است پس از در آوردن دندان مهمترین موضوع مسأله تهیه غذای مناسب است.

گیرم که این جهاد با جهل که الان شروع شده، برخلاف سایر کارهایی که در کشور ما شروع میشود و نتیجه مطلوب نمیرسد صد درصد نتیجه برسد و تمام مردان و زنان خواندن و نوشتن را بعمومی فراگیرند، تازه کار آنها مطالعه يك مشت رنگین نامه‌هایی که بنام روزنامه و مجله نامیده میشود و مملو از مطالب بیهوده؛ گمراه کننده، داستانهای موهوم و مسموم و شرح و بسط درباره زندگانی خصوصی هنرمندان و خواب و خوراک و لباس‌های زیرین و قهر و آشتی آنها و امثال این موضوعات خواهد بود.

باید بنا بر اینها مجاهدتهایی که برای باسواد کردن مردم میشود؛ قدمی هم در راه اصلاح مطبوعات و مجلات و جرائد؛ تهیه کتابهای سودمند، تأسیس کتابخانه‌های عمومی در همه نقاط بردارند، و الا باسواد ساختن مردم نتیجه معکوس خواهد داد و يك عده افراد بیسوادی که الان جز کار و فعالیت سرگرمی ندارند سرگرم اینگونه مطبوعات فاسد خواهند شد.



۳ - توجه باین موضوع نیز نهایت لزوم را دارد که تنها باسواد شدن و فرا گرفتن يك سلسله معلومات و مطالعه کتابهای علمی و فنی کافی برای سعادت يك ملت نیست، زیرا ما

در صفحات روزنامه‌ها بسیار دیده‌ایم که بعضی از افراد با سواد دست‌بجانیات عجیبی زده‌اند، حتی بعضی از دکترهای اروپا دیده بر سر موضوعات جنسی مغز یکدیگر را با چکش داغان کرده‌اند!

این جریانات بغوی ثابت میکنند که تنها اندوختن یکمشت معلومات برای سعادت انسان کافی نیست، باید بمواظبات تعلیم، تربیت شود و در درس‌های اخلاقی لازم از طرق مختلف با او آموخته شود و خلاصه تعلیم و تربیت صحیح را با هم آمیخته و از آن راه عقل و غرائز را هر دو تسخیر کنند. بنابراین در نظر گرفتن یک بر نامه صحیح تربیتی نیز نهایت لزوم را دارد.



۴ - طرفداران جهاد باجهل باین نکته نیز باید توجه کنند که در اجتماع ما الان موضوعاتی هست که نه تنها بعنوان «جهل» معرفی نشده بلکه گاهی بصورت علم هم قالب زده میشود. این ماسک‌ها را باید درید و با این مظاهر جهل و نادانی که در لفافه علم گاهی پیچیده میشود بیرحمانه مبارزه کرد.

فیلمهایی که امروز در سینماها نمایش داده میشود یکی از مظاهر مسلم جهل است قسمتی از برنامه تلویزیون و رادیو آنهم از مظاهر جهل است، گراچه بعضی از یخبندان یا باخبران! سعی دارند آنها را بعنوان نشانه علم و فرهنگ معرفی کنند، باید با اینها نیز مبارزه کرد.

منظور ما از ذکر این نکات و تشریح آن برای افرادی که از آن یخبندان یا تباها می‌کنند این بود که ماهم بهم خود با این عمل در این جهاد مقدس شرکت کرده باشیم و «جهاد کنندگان باجهل» را از جهل نسبت باین موضوعات بر حذر داریم! موفقیت تمام کسانی را که باروشن بینی و خلوص نیت، صمیمانه در این راه میکوشند از خداوند خواهانیم و امیدواریم این مبارزه تجربه تلخی بر تجربیات تلخ ما نیافزاید.